

## گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تائبنده (محبوب‌علی‌شاه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

در هر موقعیتی هر چند وقتی یک بار، برای ما فقرا هم از لحاظ شخصی، شخص خودمان، هم از لحاظ مجموعه‌ی فقری یک امتحانی برایمان پیش می‌آید و در امتحان ان شاء الله پیروز می‌شویم، بعدش از خود همین امتحان تجربه می‌گیریم یک قدم به جلو می‌رویم.

این جریاناتی که همه می‌دانید، با تفاوت‌های مختصری که همه دیدیم، برای ما هم امتحان بود. خوشبختانه از این امتحان، مجموعه‌ی فقرا و درویشی سربلند پیش آمدند. ان شاء الله خداوند این سرهایی که بلند است قطع نکند و نخواهد کرد. امتحانی هم برای ما بود، فرض کنید ما درویشی داریم مثلاً در سیستان و بلوچستان، در سراوان، اینها برادرند ولی برادری که من و شما آنها را ندیدیم برای اینکه ما این طرف ایرانیم ولی مع‌ذلک همه‌ی ما به برادران ندیده‌مان هم، عشق و علاقه داریم و این آن چیزی است که اساس درویشی و اساس خلقت انسان است که خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ. خدا می‌فرماید شما را از یک وجود آفریدم یعنی همه مثل هم هستید. ما اگر به همین صورتی که خدا آفرید، باشیم، نزد خدا مقبولیم، دنیا و آخرت‌مان به راه است ولی خدای نکرده اگر چنین نباشیم...

و اما در این جریانات اخیر امکانات خوبی از همین همدلی هم دیده شد. این حسینی‌ها تا حالا این جمعیت را، جمعیتی که همه هستند، همه را ندیده بود، مجال نشده بود. حالا هر که خواست آمد، دید. قدم این تازه‌آمده‌ها بر چشم همه‌ی ما. آن‌هایی که از گناباد آمدند، از بیدخت، از سیستان و بلوچستان آمدند، از بندرعباس، از همه‌ی مملکت آمدند. حتماً بعضی از فقرا هستند که من اصلاً توفیق دیدن آنها را نداشتم، آنها هم توفیق دیدن من را نداشتند ولی حالا اسبابش فراهم شده، همه همدیگر را دیدیم. همه فهمیدند که من اگر بروم به بندرعباس، آنجا گم نمی‌شوم، هر منزلی را نگاه کنم... درویش‌ها هم احساس می‌کنند حالا در واقع هر منزلی را در بزنم منزل ماست. البته هر کسی که اینطور نباشد با ما دشمن نیست، با مکتب ما دشمن است. خیلی‌ها که از جلوی این جمعیت رد می‌شدند، می‌پرسیدند: اینجا چه خبر است؟ جواب‌های مختلفی که مردم می‌دادند عجیب بود البته خیلی‌ها می‌دانستند، می‌فهمیدند. مثلاً یکی می‌گوید رئیس علی‌اللهی‌ها را گرفتند! یکی دیگر... سؤالات عجیب و غریبی می‌کند! اینها مردم را اصلاً با عناد به جهل وادار کردند. شما وقتی برای بچه‌تان معلم می‌گیرید اگر ببینید که او اطلاعات غلطی به بچه می‌دهد، مثلاً می‌گوید گندم یک درختی است، او را طرد می‌کنید. حالا این اطلاعات غلط را چه کسی به اینها می‌دهد؟ همه‌ی اشخاص و مراجعی که باید

به مردم علم بدهند ولی به جای علم جهل می دهند. به جای علم جویی جلوی علم جویی را می گیرند. کسانی که خودشان را وقف جامعه دارند، آن ها را آزار می دهند، نمی گذارند جامعه از آنها بهره ببرد.

الان سه روز است که عده‌ی زیادی در این مملکت (امروز روز سوّم است) دچار یک هیجان، یک ناراحتی هستند. این همه روزنامه‌ها هست ولی یک کلمه نگفتند، مثل اینکه آب از آب تکان نخورده!! درویش‌ها هم شهروند این مملکت هستند، درویش‌ها، خود من، امکان اینکه بروم به خارج از مملکت، مثل خیلی‌ها که رفتند، برایم فراهم بود و فراهم هست، حتی بعضی‌ها پیشنهاد هم کردند ولی ما همه‌مان ضمن اینکه زیر چتر ولایت علی هستیم، همه‌مان اهل این مملکت هستیم، همه‌ی ما به این مملکت علاقه‌مند هستیم. پیغمبر فرمود: حُبِّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ، ما وطن‌مان را دوست داریم. کبوتر یا مرغ خانگی به آن لانه‌ای که خودش درست می‌کند، علاقه‌مند است و از آن دفاع می‌کند. هر که به این دفاع، علاقه‌مند نباشد و نکند، معلوم می‌شود مال آنجا نیست، در آن لانه سهمی ندارد. حالا ما علاقه‌مندیم به این مملکت، علاقه‌مندیم به دینی که ما را حیات بخشید، به موجب آن آیه‌ی قرآن می‌گوید: إِذَا دَخَلْتُمْ لِمَا يُحِبُّكُمْ وَتَقِيكُمْ وَتَقِيكُمْ لِمَا يُحِبُّكُمْ، خدا و پیغمبرش شما را می‌خوانند، صدا می‌زنند، برای مطلبی، برای چه مطلبی؟ برای مطلبی که شما را زنده می‌کند، جواب بدهید. ما جواب دادیم و جواب می‌دهیم. هر لحظه که خداوند صدا می‌زند ما می‌گوییم: لیبیک. الان هم فصلی است که اصلاً در صورت ظاهر هم باید لیبیک‌زنان باشیم. ما هرگز دنبال این زخارف دنیوی که ما را از انسانیت دور کند، نیستیم. البته خداوند فرمود: کسی که کوشش کند که درآمدش بیشتر باشد به نیت اینکه مقداری را در راه خدا خرج کند و یک مقداری بر خانواده‌اش وسعت بدهد، خداوند او را مأجور می‌دارد. ما هم اگر زحمت می‌کشیم، برای این است. برای این است که مملکت‌مان آبادتر بشود. خانواده‌مان، همه‌ی خانواده‌ها به اصطلاح نان‌خور ما هستند، نان‌خور علی عَلَيْهِ السَّلَام هستند. نه مقام می‌خواهیم، نه پول فراوان می‌خواهیم و نه آن چیزها که به اسامی مختلف مثل مُقَاعِطِعه و رانت می‌گویند، نه! ما زحمت می‌کشیم، کار می‌کنیم و از کار خودمان بهره می‌بریم چرا که در آداب درویشی، جزو شرایط قبول یک نفر به درویشی، این است که بیکار نباشد، کار بکند.

حدود ۱۳۰ سال، ۱۴۰ سال قبل، حضرت سعادت‌علیشاه که مواد مخدّر مصرف نمی‌کردند ولی هنوز آن را تحریم نکرده بودند، اما جانشین ایشان حضرت سلطان‌علیشاه تحریم کردند که از آنوقت اصلاً برای درویش‌ها مثل گناه تلقی می‌شود. ما در این مدّت در آمارهایی که دیدیم در بین فقرا متأسفانه مواد مخدّر هست ولی میزانی که هست خیلی کمتر از میزانی است که در خارج، در میان غیردرویش‌ها هست برای اینکه جزء دستورات ماست، جزء سلامت بدن ما و روح ماست و اینکه او جزء ملتی با این شرایط است پس وقتی درویش می‌شود و درویش هست، باید سالم باشد، نمونه باشد. اما

به هیچ وجه سایر بخش‌ها به ما کمک نکردند. اگر هم ضد مواد مخدر تبلیغ می‌کنند اصلاً نمی‌گویند ۱۳۰ سال، ۱۴۰ سال پیش کسی بوده که تحریم کرده و حتی به یکی از آقایان که من گفتم: ما، در ۱۳۰ سال پیش، این نوشته هست، این کتاب [ذوالفقار] هست، این تفسیر هست و ما آن را تحریم کردیم، گفت: آن برای عوام فریبی بوده. گفتم ۱۳۰ سال می‌شود عوام فریبی کرد؟! یک عنادی با ما، نه به عنوان شخص ما، این پوست و گوشت و زبان، بلکه عنادی با کوشش‌های ما برای نجات جامعه از فساد و کوشش‌های ما برای اینکه خودمان را سالم نگه‌داریم، وجود دارد و اینها را تخطئه می‌کنند. اینهاست که متأسفانه به اینجا می‌کشد، به این وضعیت می‌کشد ولی همیشه *الْإِسْلَامُ يَعْلَمُوا وَيَعْلَمُوا وَيَعْلَمُوا* علیه، اسلام واقعی، نه اسلامی که ما روی آن اسم بگذاریم و بگوییم اسلام صحیح، اسلام... و اسلام چی! اسلام واقعی از بین نمی‌رود، اسلام واقعی که آن هم به دست ماست. همانطوری که به پیغمبر در اول بعثت می‌گفتند که ساحر هستی، می‌گفتند بیخود می‌گویی، همین‌ها را ما هم حس می‌کنیم. وقتی داستانهای پیغمبر را ما می‌خوانیم یا می‌شنویم، اگر درست نگاه کنید و احساس کنید حال آن مسلمانانی را که پیغمبر را می‌دیدند و حاضر بودند جانشان را فدا کنند، وقتی می‌شنیدند که همسایه‌اش این چرندیات را به پیغمبر می‌گوید، آنها چه حالی پیدا می‌کردند؟ حالا درباره‌ی ما همینطور فکر کنید ولی ما باید باشیم که این چیزها را بشنویم و در مقابل آن به هیچ وجه سر فرود نیاوریم. اگر تابع آن *الْإِسْلَامُ يَعْلَمُوا وَيَعْلَمُوا وَيَعْلَمُوا* علیه باشیم و واقعاً مسلمان واقعی یعنی درویش واقعی باشیم، سرمان به آسمان است و هرگز خم نمی‌شود.

به هر جهت من از همه، من به عنوان یک درویش البته خودم هم همینطور هستم یعنی وقتی تشکر می‌کنم، از خودم هم تشکر می‌کنم، خودم هم با شما هستم، چون ما یکی هستیم ولی یکی تشکر می‌کنم از همه، از کسانی که از همه‌ی شهرستان‌ها آمدند، قدم‌شان روی چشم. ان شاء الله نهار که خوردند و نماز اقامه کردند تا هر وقت مقتضی بود و خواستند، می‌توانند به ولایت خودشان برگردند ولی همیشه یادتان باشد که خدا پشت شماست *الْإِسْلَامُ يَعْلَمُوا وَيَعْلَمُوا وَيَعْلَمُوا* علیه. *وَلَاتَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلُونَ* در دنباله‌اش *إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* اگر صادق باشید. هر چه صادق‌تر باشید، بالاترید. *بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُوا الْأَفْضَلَ وَلَا أَحْشَى الْأَعْدِلَةَ*، به نام آن خدایی که هیچ توقع از هیچ کس نداریم جز فضل الهی و از هیچ کس و هیچ چیز نمی‌ترسیم و نگران نیستیم مگر عدل الهی که خدای نکرده به عدلش رفتار بکند *وَلَا أَعْتَمِدُ الْقَوْلَةَ*. به هر جهت خیلی متشکرم. ضمناً در این جریانات هم جنبه‌ی فقر و درویشی آبرومندی کرد و هم فرد فرد فقرا هر کدام در حدود خودشان کمک کردند و محبت کردند، خیلی متشکرم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح دوشنبه ۱۳۹۳/۶/۳۱ جلسه برادران ایمانی)

\*\*\*\*\*

در این جریانات که چند روزی گذشت، گفتیم هم امتحان بود از ما و ان شاء الله قبول هم شد،

یعنی خداوند ما را قبول کرد که در درجه‌ی بالاتری به سلوک مان ادامه بدهیم و هم خودش تجربه‌ای بود برای آینده. در این جریان‌ات عمدتاً ما همراهی می‌کردیم با خانواده‌های محترم زندایان، اسراء باید گفت یعنی کسانی که به خاطر همفکری با ما اسیر بودند و ما یعنی همه، با هم همفکریم. به هر جهت البته ما هم شریک در ناراحتی آنها هستیم و دنباله‌ی کار و فعالیت مان، این است که باید اینها ان شاء الله آزاد بشوند. چون در واقع خطایی که نکردند. ما هر چه کردیم، نتوانستیم به این آقایان بفهمانیم که این بزرگانی را که گرفتید، اینها نه تنها خطایی نکردند بلکه در راه خدا قدم زدند و با ارزش هستند. حالا شاید باز هم ادامه بدهیم و بتوانیم به اینها همین امر را بفهمانیم، خودبه‌خود مسئله حل می‌شود؛ برای اینکه اینها را به خاطر اعتقادشان زندانی کردند. ما اگر بتوانیم بفهمانیم که اینها فرمان خدا و کار خدا را که در قرآن آمده است، اجرا می‌کنند، آنوقت معذرت‌خواهی هم خواهند کرد و نه تنها آزاد می‌شوند بلکه جبرانِ زجر این مدت را هم خواهند دید. ان شاء الله.

در این جریان‌ات سهم خانم‌ها، بانوان، از مردها بیشتر بود. در خلقت زن و مرد، زحمات را خداوند برای مرد آفریده برای اینکه زن‌ها سالم، صحیح و مرفه زندگی کنند و نسل بسیار خوبی بیاورند ولی در این جریان‌ات، خانم‌ها را هم از آرامش طبیعی که خداوند آفریده، بیرون آوردند و به اندازه‌ای این فشار و ناراحتی زننده بود که وقتی آدم فکر می‌کند، می‌بیند قابل تصور نیست که آخر، چرا؟

به هر جهت از خانم‌ها از این حیث، و از همه‌ی آقایان همه متشکرم. خداوند از همه‌شان قبول کند. «با خدا باش و پادشاهی کن». تا وقتی با خدا هستی، به یاد خدا هستی، هیچ سرتان خم نخواهد شد. ان شاء الله موفق باشید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح دوشنبه ۱۳۹۳/۶/۳۱ جلسه خواهران ایمانی)

**بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریف‌پند صلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس قمری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.**

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEH121.COM](http://WWW.JOZVEH121.COM) اقدام فرمایید.